

به بهانه‌ی یک تجربه

احمد محیطی اردکانی

اهمیت است. او گفت: در زمان طاغوت ما برای ایام تبلیغی محترم و صفر و ماه مبارک رمضان از قم، روحانی دعوت می‌کردیم. وقتی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی علیه السلام پیروز شد و امور اعزام روحانیون به مراکزی مانند سازمان تبلیغات و ... سپرده شد، من برای دعوت روحانی به سازمان تبلیغات مراجعه کردم. به مسؤول سازمان تبلیغات گفتم: روستای ما روستای

سال‌های متمادی برای ارشاد مردم و تبلیغ دین به اقصی نقاط ایران سفر کردم. در شهرها و روستاها و مجتمع‌های اداری و نظامی حاضر شدم، سعی و تلاشم این بود که علاوه بر سخنرانی و موعظه، با مردم گرم و صمیمی باشم. درد دل‌های مردم را بشنوم و در حد امکان مشکل گشای آن‌ها باشم.

در یکی از روستاها، میزبانم، جمله‌ای گفت که بسیار آموزنده و حائز

بزرگی است و ما یک روحانی می‌خواهیم که «پر علم و پر حلم و پر حوصله» باشد.

این مرد با تجربه برای یک مبلغ علاوه بر آگاهی و دانش دو صفت را لازم می‌شمارد:

۱- حلم و بردباری

۲- حوصله و شکیبایی

در آیات و روایات نیز در مورد این دو صفت، برای پیام‌رسانان الهی تأکید شده است.

۱- بردباری

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «لَنْ يُثْمَرَ الْعِلْمَ حَتَّى يُقَارَنَهُ بِالْحِلْمِ»^(۱)

علمی که با حلم و بردباری همراه نباشد، هیچ ثمری ندارد. معاویه بن وهب می‌گوید: «از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

«اطلبوا العلم و تزینوا معه بالحلم والوقار و تواضعوا لمن تعلمونه العلم و تواضعوا لمن طلبتم منه العلم...»^(۲)

علم بیاموزید و آن را با بردباری و وقار مزین کنید و برای کسی که به او علم می‌آموزید و کسی که از او طلب دانش

می‌کنید، تواضع کنید.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «ما بعث الله نبياً قطُّ حَتَّى يَسْتَرِعِهِ الْغَنَمُ يَعْلَمُهُ بِذَلِكَ رَعِيَةَ النَّاسِ»^(۳)

خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرد، مگر این که مدتی از عمرش را به چوپانی سپری نمود تا رسم اداره‌ی مردم و سرپرستی آن‌ها را به او بیاموزد.

خداوند متعال در وصف مردان الهی می‌فرماید: «وَ إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَاماً»^(۴)

و هنگامی که جاهلان آن‌ها را مخاطب سازند، به آن‌ها سلام می‌گویند.

اخلاق پیشوایان دین

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام به غیر از مقابله با کفار و منافقین که مأمور بودند، با آن‌ها، به شدت و غلظت برخورد نمایند، رفتارشان با مردم همراه با حلم و بردباری بود. و یکی از عوامل مهم گسترش دین مبین اسلام، همین اخلاق و رفتار نیکوی پیشوایان آن می‌باشد.

پیامبر ﷺ سکوت کرده، بعد فرمود: «الْمَالُ مَالُ اللَّهِ وَ أَنَا عَبْدُهُ».

مال مال خداوند است و من بنده‌ی او هستم، سپس فرمود: «ای اعرابی! آیا نسبت به آنچه به من روا داشتی، قصاص کنم؟» گفت: «نه».

فرمود: «چرا؟» گفت: «زیرا تو بدی را با بدی پاداش نمی‌دهی».

پیامبر ﷺ خندید و امر فرمود که بر یک شتر او جو و بر شتر دیگر خرما بار کردند و به او دادند. (۵)

رفتار امام محمد باقر علیه السلام و مسلمان شدن نصرانی:

یک نصرانی با جسارت به امام محمد باقر علیه السلام گفت: «أَنْتَ بَقْرٌ» امام علیه السلام فرمود: «نه چنین است، بلکه من باقر می‌باشم».

گفت: «تو پسر زنی آشپز هستی» فرمود: «این شغل و حرفه‌ی او بوده است».

گفت: «تو فرزند کنیز سیاه بد زبان هستی».

فرمود: «ان كنت صدقت غفر الله لها و ان كنت كذبت غفر الله لك».

اگر راست گفتمی، خداوند از وی

**پیامبر اکرم ﷺ و
ائمه معصومین علیهم السلام به
غیر از مقابله با کفار و
منافقین که مأمور بودند، با
آن‌ها، به شدت و غلظت
برخورد نمایند،
رفتارشان با مردم
همراه با حلم و
بردباری بود**

انس بن مالک می‌گوید: «من در خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله بودم. عبا‌یی بر دوش آن حضرت بود که حاشیه و اطراف آن بسیار خشن و زبر بود. ناگهان عربی بیابانی و بادیه نشین آمد و پیامبر صلی الله علیه و آله را با آن عبا‌ی مخصوص کشید. به گونه‌ای که حاشیه آن عبا در گردن و دوش مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله اثر گذاشت، سپس گفت: «یا محمد! از مال خدا آنچه در نزد تو است، بر این دو شتر من بار کن زیرا که این اموال نه از مال خودت است و نه از مال پدرت».

درگذرد و اگر دروغ گفتی، خداوند از گناه تو درگذرد.

آن نصرانی چون این حلم و بردباری را از آن حضرت دید، متوجه اسلام گردید، و مسلمان شد. (۶)

علمای برجسته‌ی دینی نیز به پیروی از ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام در مقابل رفتار جاهلانه‌ی بعضی از مردم، چنین رفتار می‌نمودند.

روزی خواجه نصیرالدین طوسی رحمته‌الله نامه‌ای به دستش رسید. در آن نامه، شخصی با کلمات و جمله‌های زشتی به ایشان بدگویی نموده بود. یکی از کلمات زشت او این بود که خطاب به مرحوم خواجه نصیرالدین نوشته بود: «یا کلب

بن کلب» یعنی، ای سگ پسر سگ!

محقق بزرگوار وقتی آن کاغذ را مطالعه کرد در جوابش با متانت و عباراتی زیبا چنین نوشت: «... گفتار تو خطاب به من: «ای سگ» صحیح نیست، زیرا سگ با چهار دست و پا راه می‌رود و ناخن‌هایش دراز است ولی من راست قامت و پوست بدنم ظاهر و نمایان است اما سگ تمام بدنش از مو و پشم پوشیده است و ناخن‌های من بر خلاف سگ

پهن است.

من ناطق و ضاحک هستم و این فصول و خواصی که در من است، خلاف فصول و خواص کلب است...» (۷)

محدث قمی رحمته‌الله پس از نقل این جریان می‌گوید: این مطلب تازگی ندارد. کسی که «علامه حلی» در حق وی در اجازه‌ای که به او داده است، می‌نویسد: «این شیخ برترین اهل عصر خودش در علوم عقلی و نقلی بود و برای او تصنیفات و نوشته‌های بسیاری است... او در میان کسانی که ما مشاهده کردیم، شریف‌ترین آنان در اخلاق بود. خداوند قبر او را منور گرداند.» (۸)

۲- صبر و شکیبایی

دومین صفت ضروری برای مبلّغ صبر و شکیبایی است.

بدین جهت انبیبای الهی از بد رفتاری مردمان جاهل و بی‌فرهنگ، عقب نشینی نمی‌کردند و برنامه‌های هدایت و ارشاد مردم را ترک نمی‌نمودند.

خداوند متعال درباره حضرت نوح علیه‌السلام می‌فرماید: «فَلْيَبْتَهِمْ الْف

سنة الأ خمسین عاماً»^(۹)

نهصد و پنجاه سال در میان مردم ماند
[و آن‌ها را به سوی خدا دعوت کرد].

در این مدت طولانی فقط هشتاد نفر
هدایت شدند و دعوت او را پذیرفتند،
تقریباً هر دوازده سال یک نفر به
ارادتمندان وی افزوده شده و تمامی آن
مدت را آن پیامبر بزرگ الهی برای
هدایت و ارشاد آنان در تلاش بود و انواع
و اقسام مشکلات و ناملايمات را تحمل
کرد.^(۱۰)

او خود در شکوائیه‌ای به خداوند
عرض می‌کند:

«رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَ نَهَارًا
فَلَمْ يَزِدْهُمْ دَعَائِي إِلَّا فِرَارًا...»^(۱۱)

پروردگارا من قوم خود را شب و روز
(بسوی هدایت) دعوت کردم، پس
دعوت من جز فرار چیززی را به ایشان
نیفزود.

خداوند متعال به پیامبر گرامی
اسلام ﷺ می‌فرماید: «صبر کن. آن
چنان که پیامبران اولوالعزم صبر
کردند.»

«فاصبر كما صبر اولوالعزم من
الرسل»^(۱۲)

و امیرالمؤمنین علیؑ می‌فرماید:
«لا یعدم الصّبور الظّفّر و ان طال به
الزّمان»^(۱۳)

انسان صبور هرگز پیروزی را از
دست نمی‌دهد گرچه زمان زیادی طول
بکشد.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- غرر الحکم و درر الکلم، آمدی، شرح
خوانساری، ج ۵، ص ۶۳.
- ۲- بحار الانوار، ج ۲، ص ۴۱.
- ۳- بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۶۵.
- ۴- فرقان / ۶۳.
- ۵- سیمای عباد الرحمن در قرآن، علی
کریمی جهرمی، صص ۳۹-۴۰.
- ۶- سفینة البحار، محدث قمی، ج ۱، ص
۴۲۲.
- ۷- فوائد الرّضویة، محدث قمی، ص ۶۰۹.
- ۸- سفینة البحار، ج ۱، ص ۴۲۳.
- ۹- عنکبوت / ۱۴.
- ۱۰- سیمای عباد الرحمن در قرآن، جهرمی،
ص ۴۴.
- ۱۱- نوح / ۵ و ۶.
- ۱۲- احقاف / ۳۵.
- ۱۳- نهج البلاغه، حکمت ۱۵۳.